



اینکه امروز آمده‌ام و به این گفت‌وگو نشسته‌ام، یعنی امیدواری. منتهی زمانی که به لحاظ اندیشه به آن می‌پردازیم، گویا امیدی نیست و تلاش داریم که درست شود. جذابیت زندگی انسان در این است که نداند آینده چیست؟

باشد، همه‌چیز باید دست به دست هم بدهد تا یک انسان بزرگ مانند شکسپیر از بطن جامعه متولد شود. این تئاترهای موزیکال تنها به دنبال درآمدزایی هستند. البته در گذشته هم تئاترها موزیکال بوده مانند تئاتر تخته حوض، بنابراین موسیقی نه ساز و آواز می‌تواند در تئاتر خوب دیده و شنیده شود.

◀ آخرین اجرای شما اکتینگ بود که بعد از ۸ سال دوری شما از صحنه اجرا شد. علت این فاصله چه بود؟
دلیل خاصی نداشت، به سبب کسالت و جراحی مدتی فعالیت نداشتم و حتی از منزل هم خارج نمی‌شدم.

◀ کار جدیدی هم قرار است اجرا کنید؟
بله. قرار است «سفر دراز روز در شب» اثر یوجین اونیل را کار کنم. البته در این زمینه صحبت جدی با کسی انجام نگرفته است.

◀ گزیده‌کار بودن شما در سینما مشهود است، چرا از دنیای فیلم و سینما فاصله گرفته‌اید؟
سینما را هم خیلی دوست دارم، اما سینما آفت بیشتری دارد. اغلب کارها به سمت کارهای بشکن و بالا بنواز رفته است، اما ملت ما بسیار جدی‌تر از این حرف‌ها است.

◀ شاید هم بحث عرضه و تقاضا باشد. مشکلات اقتصادی و... موجب شده مردم به سمت کارهای کم‌مدی و شاد گرایش پیدا کنند!
اگر این دیدگاه وجود دارد، پیتربلسرلز بسازند. مردم ممکن است اشتباه کنند. می‌گویند قوی‌ترین فرد عالم کسی است که از همه تنهاتراست. مردم در جمعیت نمی‌توانند آن کاری را که صواب است انجام بدهند. بنابراین سینما باید یک قدم جلوتر از مردم باشد.

◀ به عنوان سؤال آخر، چشم‌انداز شما از هنر تئاتر چیست، چقدر می‌توان به نسل امروز و به فرهنگ و هنرمان امیدوار بود؟

اینکه امروز آمده‌ام و به این گفت‌وگو نشسته‌ام، یعنی امیدواری. منتهی زمانی که به لحاظ اندیشه به آن می‌پردازیم، گویا امیدی نیست و تلاش داریم که درست شود. جذابیت زندگی انسان در این است که نداند آینده چیست؟

هیچ کمکی نمی‌کند. خود من و حتی دیگر دوستان سال‌ها قبل در تلویزیون و در شبکه ۴ در زمینه تئاتر کار کرده‌ایم، اما مدت زمان بسیاری است که این برنامه متوقف شده و قطعاً هنر تئاتر متضرر خواهد شد. این ضرر برای جامعه است. تئاتر یک هنر اصیل است و باید فعالیت خود را داشته باشد، باید به تئاتر رسیدگی شود تا ضرورت آن بر همگان مشخص شود.

◀ بسیاری می‌گویند تئاتر برای طبقات مرفه و یاروشن‌فکر است، بر این اساس برای حذف این فاصله طبقاتی چه باید کرد؟
این دیدگاه‌ها رهگذر است و دوامی ندارد، البته در زمان ما چنین صحبت‌هایی نبود. بنابراین اگر به خود تئاتر و تربیت تئاتر پرداخته شود، قطعاً شاهد چنین دیدگاه و اتفاقاتی نخواهیم بود.

◀ موضوع دیگر تئاترهای لاکچری است. سلبریتی‌هایی که کم‌تجربه از دنیای سینما و تلویزیون و حتی موسیقی وارد عرصه تئاتر شده‌اند. شاید نگاه عوامل این است که کار با چهره‌های مشهور و سلبریتی بیشتر دیده می‌شود و فروش بالاتری دارد. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

به نظر من با این اوصاف بهتر است نام دیگری برای تئاتر برگزید. افرادی هستند که دست به چنین کارهایی می‌زنند و خوب هم می‌فروشند، اما این کارها تئاتر نیست و با بیان خودشان تئاتر بفروش است. تئاتر وجدان مردم است و چنین مسائلی به این هنر بر نمی‌گردد. تئاتر بیان رمز و راز به مردم است و ذات هنر همین است و هنرمند نیز از این رمز و راز بهره‌مند است. به‌طور مثال برای یک اجرا، ۱۰ بازیگر برای ایفای نقش هملت انتخاب می‌شوند و طی ۱۰ شب هر کدام از این بازیگران که در سطح جهانی هستند، به روی صحنه می‌روند و همان متن و میزانشن اجرا می‌شود، اما هملت‌ها شبیه یکدیگر نیستند، به این دلیل که درون هر بازیگر متفاوت از دیگری است.

البته شرایط محیطی و خود زندگی بر روی من بازیگر تأثیر می‌گذارد و ممکن است یک شب عالی به روی صحنه ظاهر شوم و شب دیگر این میزان حس و اشتیاق وجود نداشته باشد. نکته دیگر اینکه بازیگر باید استعداد و قوه تخیل داشته باشد. هر بازیگری با تصاویری که در ذهنش دارد، راه خودش را پیدا می‌کند، اما ایرادی که بر ما وارد است، این است

که به این باور و افتخار رسیده‌ایم که می‌دانیم، اما اتفاقاً افتخار انسان در ندانسته‌هایش است. اگر همه‌چیز را بدانیم، نه اختراعی صورت می‌گیرد و نه کشف و شهودی.

◀ یعنی آن جوشش باید در ضمیر ناخودآگاه هر فردی باشد!
نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم جوششی باید باشد. خیلی‌ها از این جوشش برخوردارند، اما مولوی نمی‌شوند.

◀ و ماندگار هم نیستند!
قرار نیست ماندگاری باشد. هر انسانی سرنوشتی دارد، حالا این هنرمند است که ممکن است کمی پررنگ تردیده شود.

◀ موضوع دیگر، کنسرت نمایش است که چندسالی باب شده، آیا این تعریف از تئاتر در تلفیق با موسیقی لطمه به این هنر است؟ در واقع اغلب خواننده‌ها برای معرفی بیشتر موسیقی خود یا به تعبیری گران جلوه دادن اجرای‌شان، کنسرت را در قالب یک اثر نمایشی عرضه می‌کنند.

این موضوع یک عارضه در تئاتر است. تئاتر تعریف دیگری دارد. به قول شاعر «رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست / می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست». دانشکده‌های سرتاسر دنیا تنها این فضا سازی را ایجاد می‌کنند که یک هنرمند بزرگ پدید آید، اما در واقع دانشگاه نمی‌تواند محل تربیت هنرمند